

زیورآلات سنتی زن بلوچ

حمیده یعقوبی^۱

چکیده

تهیه و ساخت زیورآلات که در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، از جمله عناصر فرهنگی برای معرفی قوم بلوچ محسوب می‌شود. زیورآلات زنان بلوچ شامل انواع گوناگونی است که با نوع پوشش آنان همخوانی دارد. این هنر تبلور هنرهای دستی مانند فلزکاری و تزئیناتی است که با نقره، طلا، نگین و نقوش هندسی روی این اشیاء به کار می‌رود. نقوش زیورآلات بلوچی از عناصر طبیعی و هندسه حاکم بر آنها الهام گرفته شده است. پژوهش حاضر به صورت میدانی در شهرستان‌های سراون، خاش و نیکشهر انجام گرفته است. نتایج این جستار نشان می‌دهد زیورآلات سنتی زنان بلوچ بسیار گسترده است و شامل موارد ذیل است: زیورآلات سر (بالای چشم، روی روسری، مو، گوش و نرمله آن، گونه، دو طرف بینی)، زیورآلات گردن (گردن، سینه) زیورآلات دست (انگشت، میچ دست، پنجه، ناخن)، زیورآلات پا (میچ پا، انگشت). هر کدام از زیورآلات یادشده علاوه بر زیبایی، کارکردهای دیگری چون درمان، تعویذ، نشان دادن دارایی و... دارند. همچنین در بررسی نقوش زیورآلات، عناصر طبیعی منطقه چون گل‌ها و گیاهان، پرندگان، خزندگان، آبیان و نیز تخیل هنرمندانه تأثیر داشته است.

کلیدواژه‌ها: بلوچ، تزئین، زن، زیورآلات

پروژه‌سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، پژوهشگر هنرهای سنتی، سرپرست اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

سیستان و بلوچستان. رایانامه: hamideh.yaghobi@gmail.com

عصر فلز، دوره مهمی در تاریخ زیورآلات جهان است. نخستین بار، بر حسب اتفاق، سنگ‌هایی که دارای مس بودند، در مجاورت آتش قرار گرفتند و انسان‌های ماقبل تاریخ، تکه‌های براق فلز را که بر اثر ذوب از سنگ جدا شده بودند، مشاهده و کشف کردند. این فلزات را می‌توان کوبید و به اشکال مختلف درآورد؛ ضمن اینکه استفاده از آنها برای ساختن اسلحه و ادوات، به مراتب بهتر از سنگ است. مس برای ساخت اشیای زینتی و همچنین لوازم جادو و طلسم به کار می‌رفته است. برپایه کاوش‌های باستان‌شناسی، هنر ساخت زیورآلات در ایران همپای تمدن کهن آن از دیرباز شکل گرفته است. آثاری که در این گستره باستانی به دست آمده است، بیشتر از مفرغ، سیم و زر هستند. از سوی دیگر، تأثیر تمدن‌های پیرامونی بر این هنر به‌خوبی مشهود است. زیورآلات بسیاری همچون گردنبند، گوشواره، آینه، کمر بند و لوازم مرتبط با بهداشت فردی (موچین، ناخن‌پاک‌کن، گوش‌پاک‌کن) از این منطقه به دست آمده است. زیورآلات در تمدن‌های آغازین علاوه بر کاربرد تزئینی از لحاظ آئینی نیز مورد توجه بوده است، برای مثال در بلوچستان انگشتی به نام *گوامی* وجود دارد که جنبه شفابخشی دارد. ساخت زیورآلات همچنین پیوندی نزدیک با فلزکاری دارد. سرزمین پهناور ایران دارای معادن فلزی بسیاری است و همین امر موجب شده است تا بستری مناسب برای کار با فلزات پدید آید. در دوره مادها از کانسارهای زر پیرامون *همدان* بهره‌برداری می‌شده است. بر اساس اشیای فلزی به‌دست آمده از کاوش‌های بمپور، *تل ابلیس* و دیگر مکان‌های تاریخی در جنوب فلات ایران ثابت شده است، که مردم این مناطق در نتیجه نزدیکی به کانسارهای فلزی بویژه مس، از هفت هزار سال پیش با ساخت اشیای مسی و شیوه استفاده از آنها آشنا بوده‌اند. همچنین در کاوش‌های حاشیه دشت *لوت* تعدادی گردنبند و انگوی مسی و گوشواره و آویز بینی ساخته شده از آلیاژ سرب و نقره کشف شده است. ساکنان بومی ایران مس را بدون آنکه ذوب کنند چکش‌کاری می‌کردند و برای ساخت ابزارهایی مانند درفش و سنجاق به کار می‌گرفتند. از حدود دوهزارسال پیش از میلاد نیز از مس ذوب‌شده در ساخت اشیای بهره

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۸۷

گرفته شده است. همچنین در حدود دوهزاروپانصد تا دوهزاروهشتصد سال پیش از میلاد فلزات زر و سیم کشف شده و از همان نخست، به دلیل کمیاب بودن و قابلیت چکش‌خواری برای ساخت و تهیه زیورآلات مورد استفاده قرار گرفته است. به این ترتیب، آثار مربوط به سده‌های نخستین هزاره اول، متعلق به ساکنان کردستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان (منایی‌ها، سکاها و مادها) از جمله زیباترین اشیای زینتی جهان محسوب می‌شوند. (گیوقصاب، ۱۳۸۶: ۴۸)

تاریخچه زیورآلات در بلوچستان

بنابر عقیده برخی از پژوهشگران، بلوچستان یکی از نقاطی است که بر سر راه مهاجرت نخستین گروه‌های انسانی از آفریقا به سوی جنوب شرق آسیا قرار داشته است و از این رو یکی از مناطق مهم و کلیدی ایران برای پژوهش در مورد شکل‌گیری جوامع انسانی به شمار می‌رود. سر/ورل/شتتین نخستین باستان‌شناسی است که طی مسافرت‌های طولانی خود از چین تا ایران از بلوچستان بازدید کرده و محوطه‌های باستانی این منطقه را مطالعه و ثبت کرده است. (سیدسجادی، ۱۳۸۳: ۲۵)

گمانه‌های آزمایشی پراکنده در برخی از محوطه‌ها، اطلاعاتی را برای ترسیم وضعیت اجتماعی - اقتصادی منطقه، طی هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد ارائه داده است. مهم‌ترین این محوطه‌ها عبارت‌اند از بمپور، خوراب و دامین. کاوش‌ها در بمپور شش دوره استقرار را بین دومین ربع هزاره تا حدود سال‌های ۱۹۰۰ پیش از میلاد نشان داده است و کهن‌ترین آثار پیدا شده استقرار در بلوچستان ایران، در تپه چاه حسینی در جنوب کوه بزمان و دشت بمپور دیده شده که مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است. تپه باستانی بمپور تپه‌ای مصنوعی در شمال بخش بمپور از توابع شهرستان ایرانشهر است. در اطراف این تپه، آثار و بقایای مواد باستانی به شکل قطعات سفال، گدازه‌های شیشه و سفال، ابزارهای سنگی و آثار معماری دیده می‌شود. یکی از دلایل اهمیت تپه بمپور از دیدگاه استقرارهای دوران آغازین تاریخ، وجود آب دائمی و

۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

همچنین قرار گرفتن بمپور در امتداد مسیرهای مواصلاتی گوناگون بوده که ارتباط این محوطه را در این دوره با دیگر محوطه‌ها امکان‌پذیر می‌ساخته است. (همان)

طی نخستین فصل از کاوش‌های بمپور، با گوشه‌هایی جدید از صنایع دستی بلوچستان یعنی شیشه‌گری که در قالب یکی از زیباترین مصنوعات هنرمندان گذشته به شکل النگوهای شیشه‌ای الوان تجلی یافته است، مواجه می‌شویم؛ صنعتی که امروزه فراموش شده و تنها نشانه‌هایی از آن به صورت گدازه‌های شیشه‌ای، خمیر شیشه، قطعات کوچک مربوط به زیورآلات از قبیل النگو و انگشتر، با شکل‌های مختلف، در پای تپه بمپور در میان فضاهاى گوناگون قلعه و در میان حجم زیاد تکه‌سفال‌ها خودنمایی می‌کنند. با توجه به تنوع رنگ‌ها و روش‌های ساخت به نظر می‌رسد که تولید و استفاده از شیشه‌های الوان و موزاییکی در این منطقه بسیار مورد توجه بوده و علاقه‌مندان زیادی داشته است. استفاده از زیورهای شیشه‌ای و توجه به رنگ‌های شاد و زنده می‌تواند با نوع نگرش ساکنان این منطقه به زندگی، سنت و اقتصاد مرتبط باشد و جلوه‌ای از تجلی هنر، تجربه و تسلط کافی در تولید دست‌سازهای شیشه‌ای تلقی شود. در پی فعالیت‌های باستان‌شناختی در بمپور، به غیر از تعدادی گدازه شیشه، بقایای کارگاهی متمرکز که حاکی از تولید مصنوعات شیشه‌ای باشد، به دست نیامده است. این موضوع ممکن است به دلیل حجم کم و محدود سطح حفاری منطقه باشد (همان).

تکه النگوهایی که در محوطه تپه و قلعه بمپور به دست آمده‌اند دارای تزیینات متنوعی هستند که از آن جمله می‌توان از انواع النگو با تزیینات ساده دو رنگ، مرصع و افزوده (چشم‌افزود) تزیینات پرماند و شکل پیچ در مقاطع نیم‌دایره، تخت، سه‌نما و چهارنما نام برد. به استثنای النگوهای یک‌رنگ، تمامی النگوها دارای خمیره یا مغز یک‌رنگ و ساده‌ای هستند که با لایه‌ای از جنس شیشه‌های الوان، با روش موزاییکی روکش شده است. تعدادی از النگوها علاوه بر مرصع بودن، با روش میناکاری، الوان و با روش موزاییکی روکش شده‌اند. به این ترتیب، با کمی اغماض می‌توان استفاده‌کنندگان از این زیورآلات را به دو گروه بزرگسال و خردسال تقسیم کرد. النگو با قطر بیش از شش سانتیمتر مخصوص بزرگسالان و با قطر کمتر از آن متعلق به خردسالان فرض شده است.

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۸۹

النگوهای بمپور به دو گونه ساده و دو رنگ، با روش تاب دادن به شکل ماریچی و در دو رنگ سیاه و سفید تولید می‌شده‌اند. در این شیوه، یک رشته نازک از شیشه برای



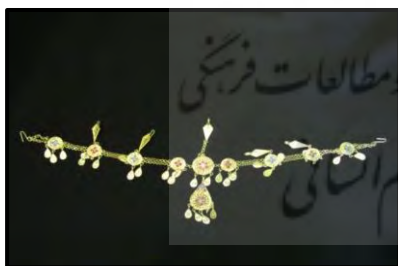
تصویر ۱: النگوی بمپور

ایجاد نقش ماریچی، در کنار شیشه سیاه قرار می‌گیرد و با حرارت گذاخته می‌شود، سپس از یک سوی پیچانده و در اندازه مورد نظر بریده می‌شود تا پیش از سرد شدن به صورت دلخواه شکل بگیرد. اما زیباترین النگوها، النگوهای الوانی هستند که با روش موزاییکی تولید شده‌اند. طرز ساخت موزاییک‌های شیشه‌ای به این ترتیب بود که میله‌هایی رنگارنگ از جنس شیشه را کنار هم

می‌چیدند و این مجموعه را می‌گذاختند و به صورت استوانه‌ای طولانی درمی‌آوردند. به این ترتیب، سطح مقطع این استوانه در سرتاسر طول آن از یک نقش واحد برخوردار بود. پس از آن، استوانه را از مقطع به صورت ورقه‌های نازک می‌بریدند و در نهایت، به کمک حرارت به عنوان روکش خمیره النگوها به کار می‌بردند. (سیدسجادی: ۱۳۸۳)

زیورآلات سر

۱. کید^۱: کید واژه‌ای بلوچی است که در



تصویر ۲: کید

زبان فارسی به معنای مهار و جمع کردن موی سر به کار می‌رود؛ نواری طلائی که در قسمت فوقانی سر قرار می‌گیرد و از دو طرف به گوشواره‌ها متصل می‌شود. کید در فواصل معین دارای چنگک‌هایی است که در موی سر فرو می‌روند و در آنجا ثابت می‌شوند. کید

علاوه بر زینت بخشیدن به سر برای نگهداری گوشواره نیز کاربرد دارد. از آنجا که

1. Kaied

۹۰ ♦ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گوشواره‌ها اغلب در اندازه‌های بزرگ ساخته می‌شوند، کید سبب کاستن از فشار وارد بر گوش می‌شود.

کید از دو ردیف زنجیر و دایره‌های نیمه محدب (شمس) تشکیل شده که در مرکز به یکدیگر متصل می‌شوند. قطعه دایره‌ای شکل مرکزی را که با نگین‌های یاقوت یا فیروزه تزئین می‌شود، شمس می‌گویند.

۲. شمس (شمسه)^۱: شمس، گروهی از زیورآلات طلایی را می‌نامند که از روی سر

آویخته می‌شوند. نوعی از آنها به وسط کید

متصل می‌شود و روی پیشانی قرار

می‌گیرد. نوعی دیگر از شمس نیز از یک

طرف سر آویخته می‌شود. (تقریباً روی

گیج‌گاه قرار می‌گیرد). شمس یا شمسه از

قطعات بسیاری تشکیل شده و شاید به

دلیل آویزهای متعدد و شباهت به

خورشید، نام شمس به آن اطلاق می‌شود و برای تزئین آن از نگین‌های فیروزه و یاقوت استفاده می‌کنند.

۳. سربند^۲: سربند شامل قطعاتی دایره‌ای شکل از جنس نقره است که به صورت

قالبی (به تعداد ۷ عدد) کنار یکدیگر به ترتیب روی پارچه تیره‌ای (مشکی، زرشکی)

دوخته می‌شوند. لبه پایینی سربند از تعدادی (حدود ۲۰) تاک (برگ) تشکیل می‌شود که

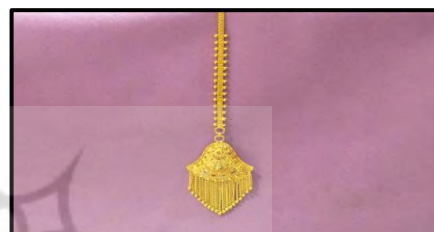
در میان آنها در مرکز سربند یک شمسه نقره‌ای می‌دوزند و برای تزئین آن از نگین

فیروزه یا عقیق استفاده می‌کنند. در بعضی موارد دو شمسه مثلث شکل نقره‌ای که در دو

طرف قرار می‌گیرند نیز دوخته می‌شود. سربند بر روی پیشانی قرار می‌گیرد و دو سر

پارچه در پشت سر به یکدیگر گره می‌خورد.

کُنگه^۳: زیوری برای بالای چشم است که با گیره‌ای به موها متصل می‌شود.



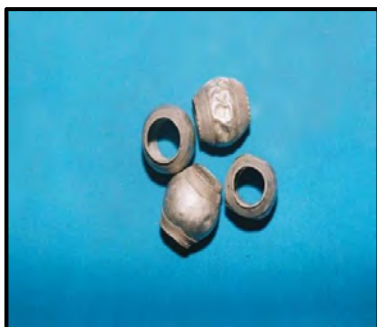
تصویر ۳: شمس (شمسه)

1. Šams (Šamse)

2. Sarband

3. Konge

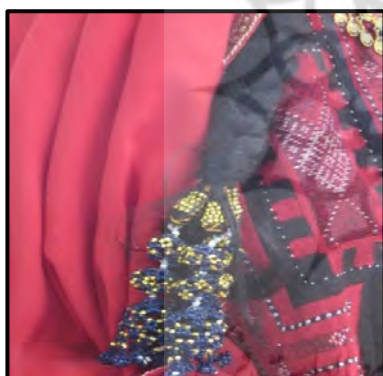
زیورآلات آرایش مو



تصویر ۴: مودی (مودیک)

مودی^۱، مودیک^۲: مودی استوانه‌ای از جنس نقره یا بدل است که به انتهای موهای بافته شده وصل می‌شود. این وسیله همانند گیره‌ای مانع از باز شدن بافت مو می‌شود. شکل و اندازه آن با توجه به سن و پر پشت بودن موها متفاوت است. گاهی به تعداد زیادی از آن استفاده می‌کنند که با برخورد به یکدیگر ایجاد صدا می‌کند. به این تزئینات، پلودینگ^۳ گفته می‌شود.

سرمودیک^۴: به بافته‌ها و زنجیرهای زردی که در ادامه بافت مو، به آن اضافه و



تصویر ۵: ریسوک

باعث زیبایی می‌شود، سرمودیک می‌گویند. امروزه تمامی سرمودیک‌های موجود در منطقه از کشور پاکستان وارد بازار می‌شوند.

ریسوک^۵: ریسوک یا موت‌بند^۶ وسیله‌ای است زینتی که از رشته نخ‌های ابریشمی یا کاموا تهیه می‌شود برای افزودن به ضخامت مو آن را لابه‌لای گیسوان می‌بافند تا زیباتر به نظر برسد.

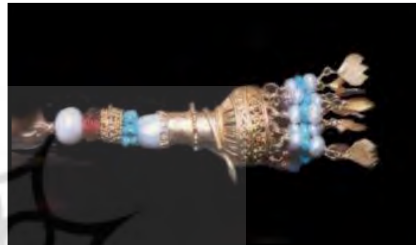
1. Mudi
2. Mudik
3. Polu ding
4. Sarmudik
5. Risok
6. Mutband

زیورآلات گوش

باری^۱: باری زیوری طلایی است که از مفتولی به طول تقریبی ۷ سانتیمتر تشکیل می‌شود. قطر یک طرف آن حدود ۴ میلیمتر و طرف دیگر آن ۲ میلیمتر است این زیور به لاله گوش متصل می‌شود و در اصطلاح به آن بندباری می‌گویند. طرف دیگر آن نیز با حلقه‌ای به کید متصل می‌شود. سطح مقطع باری دایره‌ای شکل است.

چلمپ^۲ یا چومکه^۳: این زیور از کید آویخته و در کنار گونه قرار می‌گیرد برای

تزئین این زیور از مروارید، یاقوت و فیروزه (که در اصطلاح به آن سبز یا سبزه نیز می‌گویند) استفاده می‌شود.



تصویر ۶: چلمپ (چومکه)

قسمت اصلی چلمپ به شکل نیم‌دایره‌ای است که در وسط آن یک یاقوت درشت قرار دارد همچنین از قسمت‌های انتهای لبه نیم‌کره آویزه‌هایی که برگ‌های طلا، مروارید، و فیروزه به وسیله حلقه‌هایی به آن متصل شده، آویزان است.

در^۴: در نوعی گوشواره سنتی در منطقه بلوچستان است که در قسمت نرمه گوش

آویخته می‌گردد، شکل اصلی آن به صورت یک نیم‌کره تو خالی است که از مرز درونی مفتول ضخیمی که به آن جوش داده‌اند بیرون می‌آید طول این مفتول در حدود ۲ سانتیمتر است که انتهای بیرونی آن باریک‌تر می‌شود و در هنگام استفاده به صورت مارپیچ در پشت



تصویر ۷: در

1. Bâri
2. Čolomp
3. Čomakah
4. Dor

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۹۳

گوش پیچیده می‌شود. از این مفتول برای زیبایی بیشتر در دیگر زیورآلات بلوچ استفاده می‌شود مانند: گل‌ها، دانه، لپو، سبزه. قرار دادن دُر بر روی گوش و یا در اصطلاح محلی (پیچیدن دُر) برعهده زنان باتجربه است.

گل‌ها دانه^۱: گل‌ها دانه یکی از تزئینات دُر است که برای زیبایی بیشتر گوش به کار می‌رود. شکل آن به صورت دو مخروط به هم چسبیده است، که رئوس آنها قطع شده‌اند. این شکل بر اساس اتصال حلقه‌هایی با اندازهای مختلف به دست می‌آید. گل‌ها از جداری تور مانند که بر اثر چیدن دانه‌های طلا بر روی حلقه‌های متصل به هم ساخته شده، تشکیل می‌شوند. بزرگی و کوچکی آنها نیز بستگی به دُر دارد به این ترتیب که هر چه دُر بزرگ‌تر باشد، تعداد حلقه‌های به کار رفته در ساخت گل‌ها نیز بیشتر است.

لپو^۲: لپو یکی از ملحقات دُر است که برای تزئین بیشتر دُر و زیبایی آن استفاده می‌شود. لپو از یک مکعب چندوجهی تو خالی تشکیل شده است که برای ساخت آن از طلای عیار پایین استفاده می‌شود. برای تزئین لپو از یک بتی (نوعی فرم در ساخت زیورآلات بلوچی) که به شکل برگ، بریده و با نگین‌های یاقوت و فیروزه تزئین می‌شود، استفاده می‌کنند. اندازه لپو می‌تواند بر حسب دُر متغیر باشد، هر چه دُر بزرگ‌تر باشد، لپو نیز بزرگ‌تر می‌شود و برعکس.



تصویر ۸: والی

والی^۳: والی زیوری است از جنس طلا که طول تقریبی آن مانند باری است. این مفتول بعد از عبور از دستگاہ نورد چکش‌کاری می‌شود تا قطر آن به طول حدود ۴ میلیمتر برسد. سطح مقطع این زیور مربع‌شکل است بعد از به دست آمدن ضخامت مورد نظر آن را به شکل حلقه‌ای درمی‌آورند و مفتول ظریفی را از میان حلقه والی می‌گذرانند. شایان ذکر است قسمتی از زیورآلاتی که از لاله گوش عبور

1. Golhâdâne
2. Lepo
3. Vâli

۹۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌کند به صورت مفتول ظریفی درمی‌آید که بعد از عبور از گوش، در طرف ضخیم آن، قلاب و در جای خود محکم می‌شود.

گمبودو^۱: گمبودو زینت بناگوش است، گیره‌ای طلایی یا نقره‌ای که بین گوش و چشم آویزان می‌شود. (شهشهانی، ۱۳۸۸: ۹۷)

زیورآلات بینی

پلک^۲: پلک با اشکال مختلف و متنوع ساخته می‌شود و محل نصب آن در دو طرف جلوی بینی است. حجم و اندازه پلک نسبت به دیگر زیورآلات زنان بلوچ کم و کوچک است و بر روی آن مروارید، فیروزه و یاقوت نصب می‌شود برای استفاده از پلک، بینی را سوراخ می‌کنند.

پلو^۳: این زیور در جلوی بینی و در نرمه دیواره قائم داخل بینی آویزان می‌گردد. فرم اصلی پلو به این صورت است که یک شی به شکل بیضی از طلا و نگین بر روی آن قرار می‌گیرد و از دو سو، بالا و پائین با بست‌هایی در جای خود محکم می‌شود. نگین پلو از جنس فیروزه است. بالای دیواره نگین، مفتولی قرار دارد که انتهای آن خم و پلو توسط آن به بینی آویزان می‌شود.

تاج‌پولی^۴: تاج‌پولی زیوری برای روی بینی است که سر زنجیر آن بر موی سر، بالای پیشانی زده می‌شود و جنس آن طلاست.

لرزوک^۵: لرزوک زنجیری طلایی است که از یک سو به پولک‌هایی متصل می‌شود که دو طرف بینی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، به موی سر سنجاق می‌شود. هنگام راه رفتن زنجیرها روی بینی می‌لرزد. (همان: ۹۷)

1. Gombodo
2. Polok
3. Polo
4. Tâjpoli
5. Larzok

زیورآلات گردن



تصویر ۹: چملکی

چملکی^۱: چملکی آویزه‌ای از جنس نقره است که در گذشته از آن استفاده می‌شده و امروزه تقریباً منسوخ شده است. اجزای این نوع گردنبند اغلب به شکل ماهی هستند و پایین هر کدام آویزه‌ای به شکل سکه یا نیم کره دیده می‌شود.

مورت^۲ (رتک): مورت مهره‌های ریز بافته‌شده‌ای را گویند که زنان برای زینت به گردن می‌آویزند. در ساخت مورت از دانه‌های طلا همراه با مهره‌های فیروزه، یاقوت، شیشه و پلاستیک استفاده می‌شود.

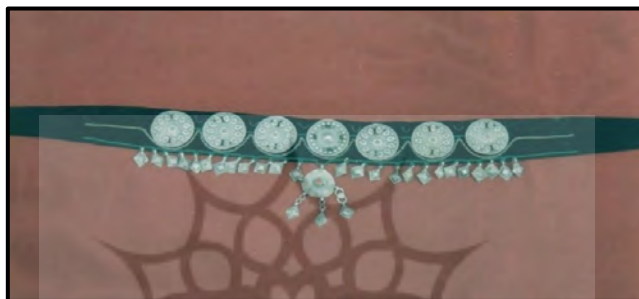


تصویر ۱۰: مورت (رتک)

گوتی بند^۳: گوتی بند نوعی گردنبند است که مهره‌های آن با نظم خاصی به یک رشته کشیده شده‌اند و بلندی آن تا روی سینه می‌رسد. امروزه استفاده از آن تقریباً منسوخ شده و تنها در میان عشایر و یا زنان افغان دیده می‌شود.

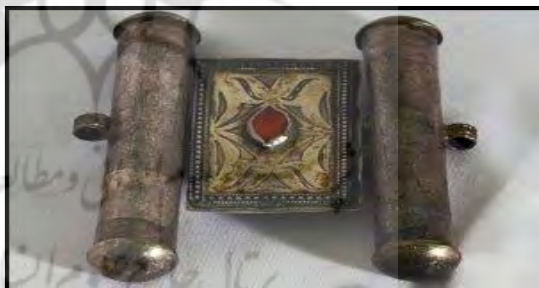
1. Čamlaki
2. Muert
3. Gutiband

سر ریزه یا سربند^۱: گردنبندی با مدال‌های گرد است که در حاشیه آن مثلث‌ها و لوزی‌هایی به کار رفته است. این مدال‌ها نیز مانند کپاکو بر روی پارچه مستطیل‌شکلی دوخته می‌شود. تعداد مدال‌های سربند اغلب ۷ عدد است. در قسمت وسط نوار و برای نشان دادن تقارن آویزی دایره‌ای‌شکل وجود دارد. و تزئینات دیگر آن با مثلث‌ها و توری‌های مختلف کامل می‌شود. طرح روی این مدال‌ها به صورت دایره‌ای تو در تو است که در فاصله بین آنها نقش‌های تجربیدی از برگ و گل دیده می‌شود.



تصویر ۱۱: سرریزه (سربند)

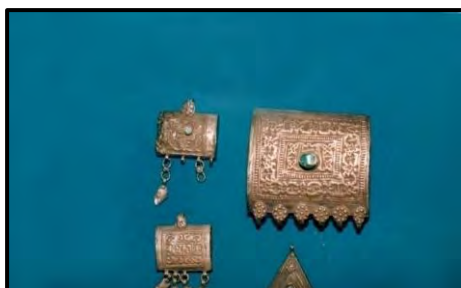
تعویذدان^۲: تعویذدان وسیله‌ای است که اغلب دو فضای لوله‌ای‌شکل برای گذاشتن دعا و اشیا و پارچه‌های متبرک در خود دارد. این لوله‌ها با شکل‌های تزئینی دیگری مانند مثلث‌ها و مربع‌های قلمزنی و نگین‌کاری شده ترکیب می‌شوند. تعویذدان به گردن آویزان می‌شود یا آن را به بازو



تصویر ۱۲: تعویذدان

می‌بندند.

1. Sarband
2. Taavizdân



تصویر ۱۳: تایدوک (قاب قرآن)

تایدوک^۱ (قاب قرآن): تایدوک زیوری است از جنس طلا به شکل مکعب مستطیل در اندازه حدوداً ۲۷×۳۰ سانتیمتر که روی آن را با حلقه (کد) و دانه‌های طلایی تزئین می‌کنند. تایدوک در ابتدا برای قرار دادن آیات قرآن و دعا به کار می‌رفته ولی امروزه تنها به عنوان یک زیور و به طور معمول، با ڈر مورد استفاده قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۴: تاسنی

تاسنی^۲: تاسنی سنجاق سینه‌ای است که برای اتصال دو قسمت باز یقه زنان بلوچ به کار می‌رود و در شکل‌های مختلف لوزی، نیم‌دایره، یا طاووسی با دم باز، ساخته می‌شود. پشت تاسنی سنجاق قفلی کار گذاشته می‌شود. (همان)



تصویر ۱۵: شمشو

شمشو^۳: این نوع زیور، مجموعه‌ای از قطعاتی از جنس طلا در اندازه‌ها و اشکال مختلف است که بزرگ‌ترین آنها در وسط نوعی روسری که به آن در اصطلاح سری می‌گویند، متصل می‌شود. روش ساخت آن به این ترتیب است که ابتدا ورقه طلا را در قالبی به شکل مورد نظر برش می‌دهند و سپس دانه‌های کوچک و گرد طلا را مطابق طرح روی آن می‌چینند و حرارت می‌دهند تا در جای خود ثابت شود. برای تزئین روی

1. Tâidok
2. Tâsni
3. Šamšo

شمشو از نگین‌های فیروزه و یاقوت استفاده می‌شود. دور تا دور ورقه طلا را با رشته‌ای مروارید که بین دانه‌های آن را سنگ‌های فیروزه عدسی‌شکل پر کرده است، زینت می‌دهند.

ردوی^۱: ردوی نوعی گردن‌بند است که زیوری به شکل هلال ماه نگین‌دار به آن آویزان است.

سرجیگی^۲: سرجیگی مدالی است که به گردن‌بند آویزان می‌کنند.

کپگو^۳: کپگو یکی از زیورآلات سنتی زنان بلوچستان است که در ناحیه گردن بسته می‌شود. کپگو متشکل از تعدادی نیم‌کره تو خالی است که به صورت یک ردیف پشت

سر هم بر روی یک پارچه دوخته می‌شود. طول پارچه مورد استفاده برای ساخت کپگو به اندازه دور گردن فردی است که از آن استفاده می‌کند و عرض آن به ۲ یا ۳ سانتیمتر می‌رسد. تعداد کپگو نیز از ۹ تا ۱۱ عدد متغیر است. کپگو دارای نقوشی است که با جوش دادن دانه‌های طلا بر روی آن شکل می‌گیرد و



تصویر ۱۶: کپگو

گاه برای تزئینات، از نگین‌هایی چون یاقوت و فیروزه استفاده می‌شود.

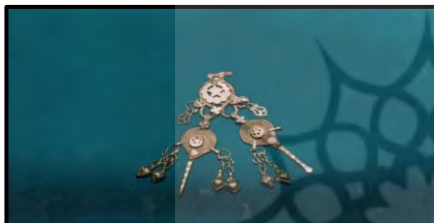
کرو^۴: کرو نوعی زیور است که از آن به عنوان گردن‌بند استفاده می‌کنند. به این صورت که از سوراخ وسط آن (نخ ابریشم رنگی) عبور می‌دهند و به جلوی سینه آویزان می‌کنند. شکل ظاهری آن مانند یک تکه استوانه کوچک است که بر روی سطحی به شکل گره تو خالی متصل می‌شود. قسمت مرکزی نیم‌کره نیز همانند استوانه‌ای تو خالی است که نخ ابریشم از آن عبور می‌کند. در راس استوانه حلقه‌هایی برای اتصال آویزها وجود دارد. نقوش به وسیله پرس بر روی کرو ایجاد می‌شود.

1. Reddoy
2. Sarjigi
3. Kapago
4. Coru

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۹۹

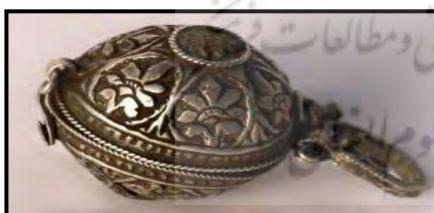
گلی بند^۱: این زیور مورد استفاده زنان منطقه بلوچستان است و شکل کلی آن به این صورت است که ورقه‌های به نسبت نازک و مربع شکل طلا را در ۷ قطعه و در اندازه‌های مساوی برش می‌زنند و روی هر یک از این قطعه‌ها را با طلا نقش‌اندازی می‌کنند. هر کدام از قطعه‌ها در یک ردیف پشت سر هم به یکدیگر وصل شده‌اند و ردیف بالا و پایین رشته‌ها را دانه‌های کروی شکل احاطه کرده‌اند. به هر یک از این قطعه‌های مربع یک تکه ورق دایره‌ای شکل طلا آویخته که نوعی مدال بر روی آنها قالب زده شده است. در کارگاه‌های زرگری منطقه به این نوع قالب‌ها قالب تکه می‌گویند. دو سر انتهای این رشته، بندی برای بستن به دور گلو تعبیه شده است.

دندان پاچ^۲: این زیور وسیله‌ای است شبیه خلال‌دندان از جنس نقره که از آن علاوه



تصویر ۱۷: دندان پاچ

بر تمیز کردن دندان‌ها به عنوان تزئین استفاده می‌کنند و با یک نخ یا زنجیر به گردن آویخته می‌شود. شکل آن به صورت مثلثی است که به هر ضلع آن حلقه‌هایی متصل شده است. در حلقه‌های دندان پاچ علاوه بر برگ‌هایی که با زنجیره به آن متصل می‌شود، وسایلی همچون موچین کوچک و خلال‌دندان نیز آویزان است. جنس اصلی دندان پاچ از نقره است و برای تزئین بیشتر آن از نگین‌های فیروزه استفاده می‌کنند.



تصویر ۱۸: زبادان

زبادان^۳: نوعی حجم تو خالی است که در داخل آن مُشک و مواد خوشبو می‌گذاشتند و آن را با زنجیر یا نخ ابریشمی به گردن می‌آویختند. شکل ظاهری زبادان بستگی به ذوق هنرمند سازنده آن دارد. در بعضی موارد، برای

1. Galiband
2. Dandânpač
3. Zabâddân

❖ ۱۰۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

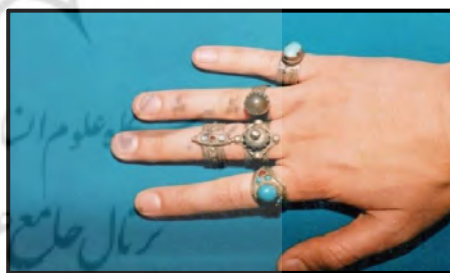
تزیین بیشتر آن از نگین یا برگ‌هایی که با زنجیر به آن متصل شده، استفاده می‌کنند. زبادان از دو قسمت کلی محفظه و قسمت در تشکیل می‌شود.

سینه‌ریز: سینه‌ریز زیوری است که در حدود ۲۵ تا ۳۵ آویز نقره‌ای که به صورت قالبی تهیه شده است. بر روی آویز وسط به طور معمول نگین (عقیق) تعبیه می‌شود. این ۲۵ آویز روی یک رشته نخ در جای خود قلاب می‌شوند و طول هر کدام در حدود ۷ سانتیمتر است. هر کدام از این آویزها از چند تکه تشکیل می‌شوند و با لحیم یا حلقه‌هایی که در انتها به دایره‌هایی ختم شده‌اند به هم متصل می‌شوند. روی حلقه‌ها گل‌های هشت پر با قالب نقش شده، این گونه سینه‌ریزها برای طبقات کم درآمد جامعه ساخته می‌شوند.

زیورآلات دست

از زیورآلات متنوعی برای زینت بخشیدن به دست‌ها استفاده می‌شود که از آن جمله به انواع انگشتر، انگو و دستبند می‌توان اشاره کرد. برخی از مردم بلوچ معتقدند که انواعی از انگشترها خاصیت شفابخشی و درمانی دارند. همچنین گفته می‌شود، انگشتری به نام گوامی^۱ وجود داشته که مخصوص زنان مریض بوده است. نوعی دیگر از انگشتر نیز برای زینت بخشیدن به انگشتان پا مورد استفاده قرار می‌گرفته که از طلا یا نقره ساخته می‌شده است. این انگشتری به‌چو^۲ نامیده می‌شود. (یعقوبی، ۱۳۸۲)

چابه:^۳ نوعی انگشتر است که در اصطلاح محلی به آن چله می‌گویند. چله‌ها از نظر طرح و اندازه تنوع زیادی دارند و برای همه انگشتان دست ساخته می‌شوند. در تزیین آنها نگین‌های عقیق، فیروزه و یاقوت به کار می‌رود. به چنین انگشترهایی من‌دریک^۴ نیز اطلاق می‌شود.



تصویر ۱۹: چابه

1. Goamy
2. Bečoo
3. Čâbe
4. Manderik

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۱۰۱



تصویر ۲۰: باهوبند (موزیبری)

باهوبند^۱ (موزیبری)^۲: همانند النگوست که در اندازه بزرگ‌تر برای دور بازو ساخته می‌شود. به طور معمول ۲ تا ۳ عدد از این زیورآلات را برای تزئین دور بازو به کار می‌گرفته‌اند. شکل باهوبند به این صورت است که حالت لوله‌ای شکل آن در سطح بیرونی زاویه‌دار می‌شود و بر سطح آن نیز طرح‌های ساده‌ای همچون ساقه و برگ نقش می‌زنند. باهوبند را در قدیم به بازو می‌بسته‌اند و جنس آن نقره بوده است.



تصویر ۲۱: سنگه

سنگه^۳: سنگه نوعی دستبند است که بیشتر از نقره یا فلزاتی شبیه نقره ساخته می‌شود. این دستبند به صورت لوله‌ای تو خالی بود و داخل آن سنگریزه می‌ریختند تا در هنگام حرکت دست‌ها به صدا درآید.



تصویر ۲۲: پنجلک

پنجلک^۴: نوعی پشت دستی طلاست که قسمتی از

آن به عنوان دستبند بر دور مچ بسته می‌شود و دارای ۴ یا ۵ رشته طلاست که به هر کدام از آنها انگشتری متصل شده است. این دستبند بنا به سلیقه فرد سفارش داده می‌شود و برای تزئین آن از سنگ‌های قیمتی مانند فیروزه و یاقوت استفاده می‌کنند. مشابه این زیور در حدود قرن ۷ پیش از میلاد در زیویه کشف شده است که بسیار ظریف‌تر از نمونه متداول در بلوچستان است.

1. Bahuband
2. Muzibri
3. Sangeh
4. Panjolak

انگشتر ناخنی: نوعی چابه است که برای انگشت کوچک دست ساخته می‌شود و جنس آن از طلاست. دارای ۳ انگشتر به هم متصل است و برای تزیین آن از سنگ‌های قیمتی یا نگین‌های برلیان استفاده می‌شود.



تصویر ۲۳: انگشتر ناخنی

گب^۱: در زبان بلوچی به النگو اطلاق می‌شود. این زیور که از طلا و نقره ساخته می‌شود، اسامی متعدد دیگری نیز داشت؛ مانند: گبو، منگالیک^۲ و موزیبری.



تصویر ۲۴: گب

چوری^۳: نوعی دستبند است که به صورت یک ورقه مستطیل شکل برای دور مچ ساخته می‌شود. عرض این ورقه به سفارش مشتری تغییر می‌کند. روی این دستبند قلمزنی شده است و نگین‌هایی در آن کار گذاشته می‌شود. دو سر آن را به دور دست برمی‌گردانند و به وسیله پیچی عمودی بسته می‌شود.



تصویر ۲۵: چوری

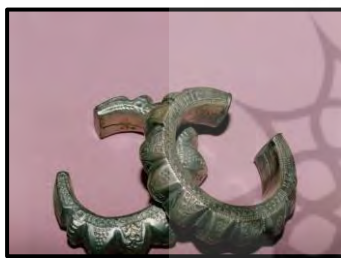
1. Gab
2. Mangalik
3. Čori

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۱۰۳

هتلی^۱ یا **سنگه بچه گانه**: نوعی دستبند بچه گانه است. شکل ظاهری آن به صورت حلقه بزرگی است که قسمتی از آن باز می شود و به این ترتیب، دو سر حلقه از یکدیگر فاصله دارند. جدار حلقه به صورت مفتول ضخیمی است که با چکش بر روی سندان پهن شده است. بر روی جدار بیرونی سنگه بچه گانه حلقه هایی جوش داده می شود که به آن برگهایی متصل است که از به هم خوردن آنها صدایی ایجاد می شود.

مُهرک^۲: بازوبند یا دست بندی با نگین هایی از سنگ های معدنی است که با نخ دور مچ بسته می شود. (شهشانی، ۱۳۸۲: ۹۷)

زیورآلات پا



تصویر ۲۶: پادیک

پادیک^۳: حلقه ای زینتی است که به دور مچ پا بسته می شود. این حلقه را همانند سنگه تو خالی درست کرده و در آن سنگریزه می ریزند تا هنگام راه رفتن تولید صدا کند، چیزی شبیه خلخال که در مناطق دیگر ایران نیز استفاده می شود. (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۶۳)

بررسی نقوش زیورآلات بلوچستان

نقش و نگاره های سنتی، برگرفته از زندگی روزمره و طبیعت مردم بلوچستان اند و الهام بخش هنرمندان بلوچ نیز چیزی جز دیده ها، شنیده ها و آرزو هایی نیست که در کویر شکل گرفته اند. به بیان دیگر، نقشمایه های طبیعی به نقشمایه های ذهنی تبدیل می شوند و به همین دلیل ممکن است هنرمند در حین کار فی البداهه نقشی را اضافه یا کم کند. در واقع، از یک الگوی خاص پیروی نمی شود و نقوش نیز در ساخته های

1. Hatali
2. Mohrak
3. Pâdig

❖ ۱۰۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هنری بلوچستان همچون مردم این سرزمین ساده‌اند. به عبارت دیگر، هیچ‌گونه ابهام و پیچیدگی در نگاره‌ها دیده نمی‌شود. خط‌های مستقیم در کنار یکدیگر نقوش هندسی ساده و انتزاعی طبیعت اطراف را می‌سازند و با گذشت زمان، نامی به آنها اطلاق می‌شود که شاید در ابتدا تنها زاده ذهن هنرمند بوده و سپس بر اساس تشابه آن به ابزار و آلات زندگی، حیوانات و گیاهان پیرامون دچار تغییر و تحول شده است. به طور کلی خاستگاه نقش و نگارهای سنتی بلوچ را می‌توان در مفاهیم زیر طبقه‌بندی کرد:

(۱) ذهن و تخیل (۲) گل‌ها و گیاهان (۳) ماه و خورشید (۴) طاووس، مرغ، کبک

(۵) مار (۶) ماهی

ذهن و تخیل: از عوامل آفرینش نقش و نگارها در تمامی اقوام است. آب و هوای کویری بلوچستان و کمبود رنگ‌های سبز و قرمز و... با وجود آسمان پرستاره و زیبای کویری اش ذهن هنرمند بلوچ را به سمت مکملی برای کمبود رنگ‌ها و فرم‌های زنده طبیعت هدایت کرده است. هنرمند بلوچ گل‌های نداشته در کویر را در هنر زیورآلات‌سازی پرورش داده و گل‌ها و جانوران حتی غیر بومی را به شکل تجریدی وارد هنر زیورآلات‌سازی کرده است. مانند شکل ابتدایی شده طاووس که از کشور همسایه، هند وارد هنر زیورآلات‌سازی بلوچ شده است.

گل‌ها و گیاهان: با جابه‌جایی نقوش ساده هندسی به‌خصوص سه‌گوش و تغییر گوشه‌های آن در کنار یکدیگر، گل‌ها و گیاهان جدیدی آفریده می‌شود که زیبا و متحیرکننده است.

عناصر طبیعی: حضور تک‌چهره‌های ماه و خورشید و ستاره و کوه در شکل کلی زیورآلات زنان بلوچ و استفاده از نگین‌های رنگی و سنگ‌های قیمتی، نمایی از حضور تصویر عناصر طبیعی در کنج خیال آفریننده بلوچ در این دست‌ساخته‌هاست.

پرنده‌گان: وجود پرنده‌گان در زندگی آدمی بسیار اهمیت دارد. استفاده از گوشت و تخم پرنده‌گان به عنوان بخش مهمی از خوراک روزمره در میان ساکنان منطقه رواج دارد. کبک، طاووس و مرغ از پرنده‌گانی هستند که هنرمند بلوچ در ساخته‌های خود از شکل کلی آنها استفاده می‌کند.

زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۱۰۵

خزندگان: مار به عنوان یکی از خزندگانی که در منطقه بلوچستان بسیار یافت می‌شود، از دیگر نقشمایه‌هایی است که در نقوش این منطقه جا گرفته است. برای مثال، در ساخت پادیگ و چوری به طور مستقیم از شکل بدن مار الهام گرفته شده است. **آبزیان:** ماهی نیز از دیگر نقوشی است که در زیورآلات بلوچ به کار می‌رود و هنرمند بلوچ از ماهی به صورت اشکال انتزاعی در تزیینات استفاده می‌کند.

انواع نقوش به کار رفته در زیورآلات

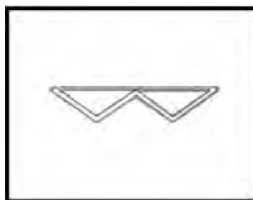
تصویر شماره ۲۷: خطوط موازی امتداد یافته و بر روی آن سه گوش‌هایی در یک راستا قرار گرفته است.



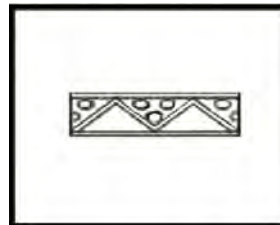
تصویر شماره ۲۸: نمادی از گل است؛ شامل مربعی که به ۴ قسمت مساوی تقسیم شده و داخل هر مربع کوچک، یک دایره است.



تصویر شماره ۲۹: نواری به صورت زیگزاکی ۸ - ۷ که نمادی از کوه است و با دو خط موازی برجسته محصور شده است.



تصویر شماره ۳۰: نواری به صورت زیگزاکی ۸ - ۷
که داخل هر مثلث آن ۳ عدد دایره مشبک قرار دارد.



تصویر شماره ۳۱: شامل لوزی‌هایی است که در امتداد هم
قرار گرفته‌اند و در دو طرف محل بر خود آنها با یکدیگر
سه گوش‌هایی به وجود آمده است.



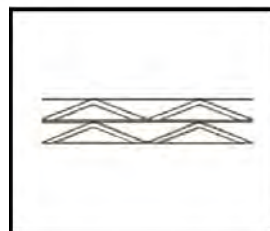
تصویر شماره ۳۲: نقوشی شبیه به حرف دال فارسی که در
یک ستون افقی به دنبال هم قرار گرفته‌اند و در واقع همان نقش
جناغی و یا خار ماهی را ایجاد می‌کنند.



تصویر شماره ۳۳: سه گوش‌هایی است که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و درون هر
کدام سه گوشه‌ای کوچک‌تر طراحی شده است. در قسمت بالایی این سه گوشه‌ها دایره
کوچکی متصل به گل پنج پر تشکیل شده است.



تصویر شماره ۳۴: طرحی زیگزاکی را نشان می‌دهد
که نمادی از کوه است.



زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۱۰۷



تصویر شماره ۳۵: دواير متحدالمركزی كه در محل اتصال آنها گل پنج‌پر قرار می‌گیرد.



تصویر شماره ۳۶: نقشی كه نمادی از گل سه‌پر است و در انتهای هر گلبزرگ دایره‌های كوچکی قرار دارند كه گلی شش‌پر را تشكيل می‌دهند.



تصویر شماره ۳۷: نقشی كه نماد ستاره است.

تصویر شماره ۳۸: مربعی كه داخل آن دایره‌های قلمزنی شده است و نشان از گل

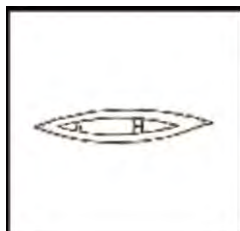


دارد.

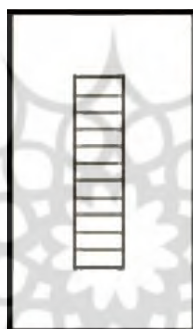


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرنال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۳۹: نقشی که نماد برگ است.



تصویر شماره ۴۰: خطوط عمودی که با دو خط افقی محصور شده و بیشتر در ساخت چوری مورد استفاده قرار می‌گیرد.



تصویر شماره ۴۱: دو خط عمودی که داخل آن گل‌های ریز پنج پر کار شده است.



زیورآلات سنتی زن بلوچ ❖ ۱۰۹

شماره ۳۸ و ۳۹ بهار و تابستان ۱۳۹۶

جدول ۱: اسامی زیورآلات زینتی در فرهنگ قوم بلوچ			
ردیف	نام زیور	محل قرارگیری	آوانگاری
۱	کید	جلوی سر	Kaied
۲	سربند	فرق سر	Sarband
۳	چلمپ	آویز کید بغل سر	Čolomp
۴	شمس	روی پیشانی	Šams
۵	کُنگه	بالای چشم	konge
۶	مودیک	حلقه موی سر	Mudik
۷	حلک بر یا جومر	بغل سر کنار پیشانی	Helekber
۸	تائیدوک	آویز در	Tâidok
۹	نالوک	آویز در	Nâlok
۱۰	سهردانک یا کلهه	آویز در	Sohrdânak-kolhe
۱۱	لپو	آویز	Lepo
۱۲	گردور	لاله گوش	Gerdor
۱۳	جومکه	لاله گوش	Jomke
۱۴	در	لاله گوش	Dor
۱۵	والی	غضروف گوش	Vâli
۱۶	باری	غضروف گوش	Bâri
۱۷	پلک	بینی	Polok
۱۸	گمبودو	گوش	Gombodo
۱۹	پلوه	بینی	Polo
۲۰	پلیت یا لاتینی	بینی	Pellet
۲۱	تاج پولی	بینی	Tâjpoli
۲۲	لرزوک	بینی	Larzok
۲۳	کپکو یا کپاکو	گلو	kapaku
۲۴	مورت	گلو	Muert
۲۵	سنجاق یا تاسنی	یقه بند	Sanjâq- tâsni
۲۶	گل سینه	یقه بند	Gole sine

ادامه جدول ۱: اسامی زیورآلات زینتی در فرهنگ قوم بلوچ			
ردیف	نام زیور	محل قرارگیری	آوانگاری
۲۷	تک و کچول	روی سینه	Takvakačol
۲۸	هارجوک	روی سینه	Hârjok
۲۹	رودی	روی سینه	Reddoy
۳۰	سرچیگی	روی سینه	Sarjegi
۳۱	تائیدان - تعویزدان	سینه	tâavizdân
۳۲	باهوبند یا موزیبری	بازو	Muzibri
۳۳	بازوبند	بازو	Bâzoband
۳۴	مُهرک	بازو	Mohrok
۳۵	چوری	مچ دست	Čori
۳۶	سنگه	مچ دست	Sangeh
۳۷	منگلیک	مچ دست	Mangalik
۳۸	گب	مچ دست	Gab
۳۹	دستبند	مچ دست	Dastband
۴۰	پنجلک	مچ وانگشتان	Panjolak
۴۱	چابه	انگشتان دست	Čabe
۴۲	چله یا مندریک	انگشتان دست	Čeleh-menderik
۴۳	هتلی یا سنگه	مچ کودک	Hatali
۴۴	انگشتر ناخنی	انگشت کوچک دست	Angošhtarnâxani
۴۵	چله یا مندریک	انگشتان دست	Čeleh- menderik
۴۶	پادیگ	مچ پا	Pâdig
۴۷	پازیب	مچ پا	Pâzib
۴۸	بیچو	انگشتان پا	Bečo
۴۹	گروه	گل سر کلاه بچه	Gero
۵۰	گوش کروک	گوش پاک کن	Goš kerok
۵۱	موکش	موکش	Mokeš
۵۲	زبادان	صندوقچه عطر و عنبر	Zabâddân

جمع بندی

تمایز قایل شدن بین زیورآلات بلوچستان و زیورآلات دیگر مناطق ایران مانند ترکمن‌ها و ساکنان حاشیه خلیج فارس، دریای عمان و بلوچستان پاکستان به سادگی امکان پذیر نیست. از نظر شکل، طرح و نقش، جواهرات و زیورآلات این مناطق اغلب شبیه یکدیگر هستند و ممکن است فقط به لحاظ اسم متفاوت باشند. از طرف دیگر، بلوچستان و صنایع آن وابستگی زیادی به فرهنگ، هنر و آداب و رسوم مردم دو کشور پاکستان و افغانستان دارند چنان‌که امروزه ژورنال‌های موجود در طلافروشی‌های این استان، در اکثر موارد، پاکستانی و سازندگان آنها بیشتر پاکستانی و افغان هستند.

منابع:

- * اغلب یافته‌های این مقاله حاصل تحقیقات میدانی نگارنده در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۰ است.
- سیدسجادی، سید منصور (۱۳۸۳). قلعه بمپور؛ گزارش نخستین فصل گمانه‌زنی و کاوش در بمپور، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- شهشپانی، سهیلا (۱۳۸۸). «بلوچستان»، فرهنگ و انسان، ش ۲، پاییز و زمستان، صص ۹۷ - ۸۲.
- گیو قصاب، عبدالناصر (۱۳۸۶). مدخلی بر سبک‌های جواهرسازی، تهران: نشر قصیده.
- یعقوبی، حمیده (۱۳۸۲). «مستندسازی هنرهای سنتی سراوان»، گزارش پژوهشی، زاهدان.